

# پژوهش‌های حقوقی

شماره ۱۸

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال دوم

## مقالات

- تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها
- حقوق دفاعی متهم در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری
- تمیز خوانده دعوا
- تحلیل حقوقی حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی
- موضوع ویژه: حق شهروندان به برخورداری از محیط زیست سالم با تأکید بر مسأله آلودگی کلان‌شهرهای ایران
- پایش حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی هوا: مطلوب زیست‌محیطی کلان‌شهرها
- تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران
- مقابله با آلودگی‌های ناشی از امواج الکترومغناطیسی در کلان‌شهرها
- آلودگی هوای تهران و حق شهروندان بر محیط زیست سالم
- تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها
- نفع عمومی در دعاوی زیست‌محیطی: رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و محاکم ملی
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک (۲۰۱۰)
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه
- نقد و معرفی
- گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه





تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها  
مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۱۸، نیمسال دوم ۱۳۸۹  
صفحات ۱۱ الی ۲۸، تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۲۷

## تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها

سید مهدی احمدی موسوی\*

**چکیده:** مقاله حاضر به بررسی و تبیین انواع محکومیت‌های مؤثر کیفری در قانون مجازات اسلامی و نوع تأثیر هر کدام از این محکومیت‌ها پرداخته است. قانونگذار در تدوین قانون مجازات اسلامی به طیف وسیعی از محکومیت‌های مؤثر، در قالب محکومیت‌های مانع از اجرا و اعمال تعلیق و آزادی مشروط، محکومیت‌های محروم کننده از حقوق اجتماعی، تشدید مجازات در صورت تکرار جرم و اجرای الزامات قانونی، اشاره نموده است. همچنین با تصویب قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی، نوع دیگری از محکومیت‌های مؤثر را در قوانین جزایی وارد کرده است که نه نوع تأثیر محکومیت‌ها را در این قانون مشخص نموده و نه ارتباط این محکومیت‌ها با سایر محکومیت‌های مؤثر کیفری را، بنابراین سعی گردیده با بررسی موضوعی محکومیت‌های مؤثر، در جمع‌بندی موضوع به نتیجه مناسب پیرامون محکومیت مؤثر کیفری و ارتباط میان محکومیت‌های مؤثر مندرج در قانون مجازات اسلامی با قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در امور جزایی و کاربرد این قانون، برسیم.

**کلیدواژه‌ها:** اثر محکومیت، محکومیت مؤثر، گستره تأثیر محکومیت‌های مؤثر، الزامات قانونی، محرومیت از حقوق اجتماعی

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان و دانشجوی مقطع دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

## مقدمه

سیاست‌گذاری در عرصه حقوق کیفری تابع اغراض و مقاصد چندی است. گاه جامعه در پی سرکوب و ارباب مرتکب جرم و دیگران بوده و گاه هدف اصلاح و ایجاد زمینه‌های لازم در جلوگیری از تکرار جرم است. بدین سان کیفر و تدابیر تأمینی اولین پیامد و اثر محکومیت کیفری محسوب می‌گردد. این دو واکنش در بردارنده و تضمین‌کننده اهداف فوق بوده و غالباً محکومیت کیفری منجر به اعمال یک یا هر دوی این واکنشها می‌گردد. اما در این میان برخی از محکومیتها از وضعیت و ویژگی‌های خاصی برخوردارند. این ویژگی جامعه را قادر می‌سازد که جدای از اعمال واکنشها، تدابیر دیگری را بر محکوم بار نماید. این تدابیر گاه به صورت موقت و گذرا، و گاه به صورتی دائمی نمود پیدا می‌کنند. این تدابیر که مبین تأثیرات محکومیت است به محکومیت صورتی مؤثر داده و به واسطه آن به محکومیت کیفری، محکومیت مؤثر گویند. بنابراین محکومیت مؤثر محکومیتی است که جدای از اعمال واکنشها در بردارنده خواص و ویژگی‌هایی است که به محکومیت صورتی مؤثر می‌بخشد. سیاست کیفری کشور ما به مانند سایر کشورها مبتنی بر اعمال تأثیر یا تأثیرات بر محکومیت کیفری است که بدین لحاظ محکومیتها، به محکومیتهای مؤثر و غیرمؤثر تقسیم می‌شوند. اما آنچه مهم است این است که گستره واقعی محکومیتهای مؤثر و نوع و چگونگی تأثیر محکومیتهای مؤثر مشخص و معین نشده است. بنابراین در این پژوهش در درجه اول برآنیم تا با مشخص کردن و تبیین گستره محکومیتهای مؤثر به این سؤال و ابهام پاسخ داده شود که حدود تأثیر هر یک از محکومیتهای مؤثر کدام است و نیز چه انتقاد یا انتقاداتی بر شیوه تأثیر و حدود آن وجود دارد. قانونگذار با تدوین قوانین مجازات در پیش از انقلاب و پس از آن برخی از محکومیتها را مؤثر قلمداد کرده است. این تأثیر در نوع و میزان خود مشخص بوده بنابراین می‌توان گفت که محکومیتهای مؤثر در قانون مجازات، اختصاصی و معین می‌باشند. اما قانونگذار از سال ۱۳۶۶ با وضع قانون تعریف محکومیتهای مؤثر در قوانین جزایی (اصلاحی ۱۳۸۲)، اقدام به تعیین و مشخص سازی تعدادی از محکومیتها با عنوان محکومیتهای مؤثر نموده است. صرف نظر از این نکته که در این قانون به شیوه و نوع تأثیر این محکومیتها اشاره‌ای نشده است، از بیان رابطه این قانون و موارد مندرج در آن با انواع محکومیتهای مؤثر مندرج در قانون مجازات اسلامی نیز خودداری شده است. بنابراین و در درجه دوم برآنیم تا این ابهام روشن شود که ارتباط قانون تعریف محکومیتهای مؤثر با مواد تبیین‌کننده محکومیتهای مؤثر در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین فرعی نظیر لایحه مجازاتهای جایگزین زندان چیست.

همچنین نکته مهم تبیین میزان تأثیر موارد مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر می‌باشد. قانونگذار در سال ۱۳۶۶ با وضع این قانون و سپس در سال ۱۳۸۲ با اصلاح آن در مواردی اندک، همچنان این ابهام و سؤال را باقی گذارده است که نوع تأثیر موارد این قانون چیست و به عبارت دیگر مفهوم محکومیت مؤثر با تأثیر بر چه مواردی نمود پیدا می‌نماید.

به منظور بررسی این موضوعات، در ابتدا، سعی در تبیین و روشن‌سازی انواع محکومیت‌های مؤثر در قانون مجازات اسلامی و قوانین فرعی دیگر شده و سپس به بیان انواع تأثیرات با بررسی انتقادی پرداخته شده و در پایان، در مبحث نتیجه‌گیری، به بیان نهایی ارتباط یا عدم ارتباط قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی با انواع محکومیت‌های مؤثر در قانون مجازات و نوع تأثیرات این قانون پرداخته شده است.

## فصل اول:

### مفهوم و سابقه محکومیت‌های مؤثر

محکومیت کیفری به انواع محکومیت‌های مؤثر و غیرمؤثر کیفری تقسیم می‌شود میزان تأثیر محکومیت‌های غیرمؤثر محدود بر اعمال واکنش‌های یگانه یا دوگانه در قالب مجازات‌ها و اقدامات تأمینی است، لکن تأثیر محکومیت‌های مؤثر کیفری محدود به اعمال واکنش‌ها نبوده و تأثیرات دیگری غیر از واکنش‌ها را در پی دارد. علاوه بر این، مفهوم محکومیت مؤثر کیفری در مسیر قانونگذاری همواره دچار تحولات و تغییرات چندی شده است که در این فصل سعی بر آن است از یکسو مفهوم محکومیت‌های مؤثر، و از سوی دیگر سابقه بیان محکومیت‌های مؤثر کیفری در قوانین مختلف شرح داده شود.

### مبحث نخست: مفهوم اثر محکومیت کیفری و محکومیت‌های مؤثر

محکومیت کیفری، با طی مراحل قانونی و ضرورت استحقاق و احراز شرایط قانونی منجر به اعمال واکنش‌های اجتماعی می‌شود. این واکنش‌ها چه به شکل سرکوبگر مجازات‌ها و چه به صورت تأمینی و اصلاح‌گر به عنوان اولین پیامد محکومیت محسوب می‌گردند. پیامد عملی و اثر ابتدایی محکومیت کیفری، اعمال و اجرای واکنش‌های سرکوبگر یا مجازات‌ها با خصیصه تنبیهی و ارعاب‌آمیز است. پاسخ اجتماع به مجرم به واسطه ایراد ضرر و زیان به اعضای جامعه، تنها سرکوب و اعمال روش‌های شدید کیفری نیست. گاه جامعه بر حسب شخصیت مرتکب جرم و به رغم ضرر و زیانی که به اجتماع وارد می‌سازد وی را در

معروض اقدامات اصلاحی و تربیتی مانند آنچه که در سیاست‌های جدید ناظر بر اطفال و نوجوانان بزهکار مشاهده می‌کنیم قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

این امر، پیرامون جرایم بزرگسالان نیز چنانچه ضرورت درمان و اصلاح فرد و پیشگیری از تکرار عمل منافی نظم احساس شود، قابل اجرا و اعمال است. از این میان کارکرد سزادهی و سرکوبی، از دیرباز به عنوان یکی از رسالت‌های مهم کیفری مدنظر بوده است. هم اکنون نیز افکار عمومی، باز هم به شدت خواستار تنبیه و کیفر مجرم است.<sup>۲</sup> تأکید بر این امر سبب شده است که جز در پاره‌ای موارد، کارکرد اصلاحی و تربیتی کیفرها مورد فراموشی قرار گیرد.

ضرورت اعمال روشها و تدابیر تأمینی اصلاح‌گر در کنار مجازات‌ها امری انکارنشدنی است. محکومیت کیفری، علاوه بر اثر ابتدایی یعنی مجازات‌ها و تدابیر تأمینی، می‌تواند آثار دیگری نیز داشته باشد، از آن جمله می‌توان به تشدید مجازات در اثر تکرار جرایم تعزیری، منع اعمال تعلیق و آزادی مشروط به دلیل ارتکاب جرم و اجرای مجازات در برخی جرایم، وجود آثار خاص نظیر محرومیت از حقوق اجتماعی، منع از حقوق، اجرای برخی از الزامات و دستورات قانونی و ممانعت از اعمال جایگزین مجازات‌ها از جمله مجازات‌های اجتماعی اشاره کرد. بنابراین محکومیت مؤثر کیفری محکومیتی است که علاوه بر اعمال واکنشها به عنوان پیامد اولیه در بردارنده یکی از آثار فوق می‌باشد.

### مبحث دوم: سابقه محکومیت‌های مؤثر کیفری

سابقه بیان قانونگذار پیرامون محکومیت‌های مؤثر و اثر محکومیت کیفری به ابتدای قانون‌گذاری در زمینه جزایی می‌رسد. قانونگذار در تبصره یک ماده ۴۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۲۹۰) با این عنوان که: «محکومیت‌های مزبور هیچ‌گونه آثار کیفری نخواهد داشت...» محکومیت‌های به جزای نقدی کمتر از بیست هزار ریال و محکومیت‌های به حبس جنحه‌ای به دو ماده یا کمتر ولو متضمن محکومیت به جزای نقدی تا بیست هزار ریال را فاقد اثر کیفری محسوب می‌دانست. همچنین در قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲) وجود مقررات خاص پیرامون تشدید مجازات در صورت تکرار جرم نویسندگان حقوقی را بر آن داشت تا در این مورد محکومیت‌ها را مؤثر قلمداد نمایند. این موضوع در قانون راجع به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱) و قانون مجازات اسلامی

۱. جاوید صلاحی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، نشر میزان، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۷، ص ۲۲۹.

۲. برنار بولوک، کیفرشناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، تهران ۱۳۸۵،

(مصوب ۱۳۷۰)، نیز با توجه به نوع مجازات‌های خاص (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده)، مورد پذیرش قرار گرفت.

در خصوص آثار و نتایج برخی از محکومیت‌های کیفری، پیرامون منع تعلیق اجرای مجازات‌ها، قانون تعلیق اجرای مجازات (مصوب ۶/۴/۲۶) برخی از محکومیت‌ها را مانع از اجرای تعلیق قلمداد نموده بود. پس از آن ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی عدم سابقه محکومیت مؤثر را به عنوان شرط اعمال تعلیق مجازات معین می‌نمود که مشخص نبود منظور از محکومیت مؤثر چه بوده است. از تاریخ تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی تا تاریخ تصویب قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی (مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ مجلس شورای اسلامی)، شناخت محکومیت مؤثر و غیرمؤثر با توجه به ساختار جدید قانونی در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. بند «د» این قانون در مرداد ۱۳۸۲ توسط قانونگذار مورد اصلاح قرار گرفت.<sup>۳</sup>

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، در بند الف از ماده ۲۵، موارد مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر کیفری را با تغییرات اندکی به عنوان محکومیت‌های مؤثر در منع اعمال تعلیق مورد پذیرش قرار داد. این امر یعنی شناسایی محکومیت‌های مؤثر کیفری پیرامون آزادی مشروط نیز در قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان (مصوب ۱۳۳۷)، و پس از آن در قانون راجع به مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفت.

در قانون راجع به مجازات اسلامی محکومیت مؤثر در ممانعت از آزادی مشروط، محکومیت به حبس تعزیری و وجود سابقه محکومیت و اجرای آن بوده است بنابراین در صورت وجود سابقه محکومیت به حبس تعزیری و اجرای آن محکوم به حبس نمی‌توانست از آزادی مشروط استفاده نماید.<sup>۴</sup> و<sup>۵</sup> در خصوص محکومیت‌های مؤثر در

۳. ماده واحده (مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات سال ۱۳۸۲): «مراد از محکومیت‌های مؤثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت است از: الف- محکومیت به حد؛ ب- محکومیت به قطع یا نقص عضو؛ ج- محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرایم عمدی؛ د- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیست میلیون ریال یا بالاتر در جرایم عمدی؛ ه- سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات. جرم‌های سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت جزء جرم‌های مشابه محسوب می‌شوند.»

۴. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۶۹/۴/۱۷-۷/۲۲۳۱ پیرامون آزادی مشروط و سابقه حبس تعزیری عنوان می‌دارد که «ارتکاب به جرمی که مجازات آن حبس تعزیری نباشد مانع استفاده از آزادی مشروط موضوع ماده ۲۵ قانون راجع به مجازات نیست...»

۵. غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، چاپخانه روزنامه رسمی کشور، تهران ۱۳۷۳، ص ۶۲۴.

محرومیت از حقوق اجتماعی قانونگذار در سال ۱۳۷۶ با وضع ماده ۶۲ مکرر نوع دیگری از محکومیت‌های مؤثر را، این بار در زمینه منع و محرومیت از حقوق اجتماعی مشخص ساخت. آخرین جهت‌گیری قانونگذار داخلی پیرامون ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی در خصوص اعمال الزامات و دستورات اجتماعی به مجرمان سابقه‌دار است. علاوه بر قوانین ذکر شده قوانین فرعی دیگری نیز به محکومیت مؤثر کیفری به عنوان مانع و عامل بازدارنده در اخذ پروانه، احراز سمت و اخذ امتیاز، اشاره می‌نماید که از جمله می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد:

قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ (ماده ۶۴)؛<sup>۶</sup>

قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ (ماده ۱۳)؛<sup>۷</sup>

قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۳۰ (بند ج ماده ۲)؛<sup>۸</sup>

قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ (بند ۴ ماده ۹)؛<sup>۹</sup>

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، مصوب ۷۶/۱/۱۷ (بند ج ماده ۲)؛<sup>۱۰</sup>

قانون کانون کارشناسان رسمی، مصوب ۱۳۸۱/۱/۸ (بند ج ماده ۱۵)؛<sup>۱۱</sup>

پیرامون قوانین فوق و در ارتباط با محرومیت از حقوق اجتماعی می‌توان به دو نکته اشاره کرد:

۱- محرومیت از حقوق اجتماعی در این موارد کاملاً جنبه دائمی داشته و خالی از

۶. ماده ۶۴ قانون تأسیس بیمه مرکزی و بیمه‌گری: اشخاصی که در ایران یا خارجه به علت ارتکاب جنایت یا دزدی یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا صدور چک بی‌محل یا اختلاس یا معاونت در یکی از جرایم فوق محکوم شده‌باشند و ورشکستگان به تقصیر نمی‌توانند جزء مؤسسان یا مدیران مؤسسات بیمه باشند. همچنین واگذاری نمایندگی به این اشخاص و اشتغال به دلالتی از طرف آنان ممنوع است.

۷. ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴:

رؤسا و اعضاء علی‌البدل و مشاوران دیوان باید واجد شرایط زیر باشند:

... ب- معروفیت به حسن اخلاق و امانت و عدم محکومیت جزایی که مستلزم محرومیت از حق استخدام دولتی است و همچنین نداشتن محکومیت به مجازات‌های اداری یا انتظامی از درجه ۴ به بالا.

۸. ماده ۲ بند ج قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۳۰ از جمله شرایط عضویت در انجمنها و شوراها و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون باید با رأی مردم انتخاب شوند.

... ج- عدم وابستگی به رژیم سابق و نداشتن سابقه محکومیت کیفری که به حکم دادگاه موجب محرومیت از حقوق اجتماعی شده باشد.

۹. ماده ۹ بند ۴ قانون مطبوعات از شرایط اشخاص حقیقی متقاضی امتیاز «عدم اشتغال به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری بر اساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد».

۱۰. ماده ۲ بند ج قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری از شرایط صدور پروانه وکالت ... ج- «نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری ...»

۱۱. ماده ۱۵ بند ج از شرایط متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی: ... ج- نداشتن پیشینه کیفری مؤثر.

هرگونه مدت زمان جهت رفع آثار محکومیت و رفع محرومیت از حقوق می‌باشد. این بدان معناست که وجود سابقه و ارتکاب جرایم واجد محکومیت مؤثر، محکوم را به صورت دائمی و نامحدود از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید.

۲- عدم تناسب و ناهماهنگی بین نوع محکومیت و در نتیجه خطرناکی محکوم با محرومیت از حقوق اجتماعی، به گونه‌ای که هیچ تناسب و هماهنگی بین محکومیت و محرومیت از حقوق اجتماعی با توجه به فلسفه ایجاد محرومیتها وجود ندارد.

در قانون راجع به مجازات اسلامی وضعیت محرومیت‌های از حقوق اجتماعی در قالب اثر تبعی محکومیت به سکوت برگزار شده بود. رویه قضایی پس از انقلاب هم اصولاً هیچ‌گاه به کیفرهای تبعی در قوانین پیش از انقلاب استناد نمی‌کرد.<sup>۱۲</sup> آنچه مسلم است اینکه، قانونگذار تا سال ۱۳۷۶ اقدامی در جهت ورود این نوع محکومیتها در قانون مجازات اسلامی به عمل نیاورده بود.

## فصل دوم:

### گستره تأثیر محکومیت‌های مؤثر

محکومیت مؤثر سبب تأثیر در آینده مناسبات اجتماعی شخص و جهت‌گیری‌های قضایی پیرامون وی می‌شود. تمامی محکومیت‌های مؤثر کیفری سبب ایجاد پیامدی به نام سابقه محکومیت می‌شوند. بدین‌سان، سابقه محکومیت کیفری وضعیتی است که جرم ارتكابی و محکومیت، آن را ایجاد کرده و محکوم را از برخی امتیازات و بهره‌مندی‌ها که قانونگذار برای اشخاص و بزه‌کاران بدون سابقه در نظر گرفته شده است، همچون تعلیق اجرای مجازاتها و آزادی مشروط محروم کرده و یا موجب لغو آنها در صورت ارتكاب جرم جدید می‌شود. همچنین وی را در معرض تشدید مجازات در صورت تکرار جرم و یا محرومیت از حقوق اجتماعی قرار می‌دهد.

در این فصل به بررسی انواع تأثیرات محکومیت بر محکوم‌علیه می‌پردازیم.

### مبحث نخست: تأثیر محکومیت بر تشدید مجازات و اعمال الزامات قانونی

محکومیت کیفری می‌تواند در صورت ایجاد سابقه محکومیت برای شخص آثاری در جهت تشدید مجازات جرم بعدی در پی داشته باشد. همچنین وجود سابقه محکومیت با

۱۲. صادق سلیمی، «مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری ایران»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره

جدید، شماره ۲ (پیاپی ۱۷۱) ۱۳۷۹، ص ۷۵.



وجود شرایطی، می‌تواند برخی الزامات و اجرای برخی دستورات را برای شخص الزامی گرداند.

### الف) تشدید مجازات تعزیری و بازدارنده در صورت تکرار جرم

وجود سابقه محکومیت و اجرای مجازات‌های تعزیری و بازدارنده سبب اختیار تشدید مجازات جرم جدید توسط دادرس دادگاه می‌شود. بنابراین ارتکاب جرم تعزیری و بازدارنده و محکومیت بدان و اجرای مجازات آن دارای این پیامد است که در صورت ارتکاب مجدد جرم تعزیری، دادگاه بتواند مجازات جرم جدید را تشدید نماید.

قانونگذار، در وضع ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰)، به این نوع اثر محکومیت به جرایم تعزیری و بازدارنده صورتی دائمی بخشیده است. بنابراین محکوم به جرم تعزیری و بازدارنده، در حین اجرای مجازات و یا پس از آن برای تمامی عمر در معرض تشدید اختیاری مندرج در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گیرد. در قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۰۴ و اصلاحی ۱۳۵۲) قانونگذار با وضع مقررات خاص، به خصوص پذیرش نهاد اعاده حیثیت قانونی، مدت زمان مشخص و معینی را پیرامون محکومیت در تکرار جرم قرار داده بود. حال آنکه در قوانین پس از انقلاب این شیوه و معیار به دست فراموشی سپرده شده است.

دائمی بودن سابقه محکومیت با اصل سازگاری مجرم با جامعه و اصلاح وی مغایر است و جا دارد که نسبت به رفع و غیردائمی کردن آن کوشش شود. این امر می‌تواند با پذیرش نهاد اعاده حیثیت در قانون مجازات اجرا شود. بدین ترتیب که پس از مدت معین و مشخص، اثر محکومیت سابق از بین رفته و فرد به حالت پیش از ارتکاب جرم بر گردد. تأثیر محکومیت موجد تشدید در تکرار جرم باید توأم با اجرای کامل و یا جزئی مجازات باشد.<sup>۱۳</sup>

قانونگذار در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی، با اختیاری کردن تشدید مجازات از ایراد دائمی بودن سابقه در تکرار جرم کاسته است. این امر کافی نبوده و لازم است تغییرات و اصطلاحاتی از جمله پذیرش نهاد اعاده حیثیت و اعمال نتایج آن بر تمامی محکومیتها به خصوص محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده، ایجاد شود.<sup>۱۴</sup>

۱۳. برای دیدن نظر مخالف، نک: اسماعیل هادی تبار، «بررسی قاعده تکرار جرم در حقوق موضوعه ایران و نگرش تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۶.

۱۴. سید مهدی احمدی موسوی، «گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری در نظام جزایی ایران و چگونگی ثبت محکومیتها»، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، تابستان ۱۳۸۸، ص ۷۰.

تنظیم‌کنندگان لایحه قانون مجازات اسلامی، تشدید اختیاری پیرامون تکرار جرم را به تشدید اجباری تبدیل نموده‌اند. ضمن اینکه به اعاده حیثیت نیز در مواد ۱۶۶-۱ و ۱۶۶-۲ این لایحه اشاره شده است که به نظر می‌رسد این نوع اعاده حیثیت تنها پیرامون رفع و زوال اثر به صورت محرومیت از حقوق اجتماعی است و نه اثر تشدید در تکرار جرم، بنابراین ایراد فوق پیرامون دائمی بودن اثر محکومیت‌های کیفری در تکرار جرم همچنان باقی است.<sup>۱۵</sup>

### ب) اعمال و اجرای دستورات قانونی

اصلاحات جدید قانون مجازات اسلامی (اردیبهشت ۱۳۸۷) نوع دیگری از تأثیر محکومیت‌ها و سابقه محکومیت را در قانون مجازات وارد نموده است که می‌توان به الزام در اجرای دستورات قانونی مندرج در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی از آنها نام برد. این ماده دارای دو شاخص اعمال مجازات به لحاظ مجرمیت و اجرای یک یا چند دستور قانونی، موضوع ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مربوط به تکالیف دوران تعلیق اجرای کیفر می‌باشد.<sup>۱۶</sup>

پیرامون این ماده مواردی چند را می‌توان برشمرد:

نخست آنکه، در این ماده سخن از «محکومیت مؤثر» به میان آمده که منظور از آن محکومیت‌های مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی (مصوب مهر ۱۳۶۶-اصلاحی ۱۳۸۲) است که خود به واسطه ارتکاب جرایم عمدی صورت می‌گیرد. بنابراین ارتکاب دوبار و بیشتر جرایم مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر علاوه بر اعمال مجازات جرم عمدی جدید دارای این اثر است که محکوم، به یک یا چند دستور از

۱۵. ماده ۱-۱۶۶: کسانی که طبق ماده (۳-۱۲۳) این قانون از مجازات اجتماعی محروم شده‌اند پس از گذشت زمانهای تعیین شده در آن ماده به اعاده حیثیت نائل می‌شوند و آثار تبعی محکومیت آنها نائل می‌گردد مگر اینکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۲-۱۶۶: کسانی که به موجب حکم قطعی دادگاه به صورت مستقل یا تبعی یا تکمیلی از تمام یا برخی از حقوق اجتماعی محروم می‌شوند یا از اقامت در نقطه یا نقاط معینی ممنوع و یا به اقامت در نقطه یا نقاط معینی مجبور می‌شوند پس از انقضاء حداقل یک‌سوم مدت مقرر، در صورتی که مرتکب بزه عمدی جدیدی نشده و مستمراً از خود حسن اخلاق نشان داده باشند، دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند با درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد دادستانی که حکم زیر نظر وی اجرا شده یا می‌شود حکم به زوال محرومیت وی از تمام یا برخی از حقوق اجتماعی به استثنای بند یک ماده (۴-۱۲۳) این قانون و یا توقف اجرای اقدامات تأمینی مزبور صادر می‌نماید حکم دادگاه در این موارد قطعی است.

۱۶. علی حسین نجفی ایرندآبادی، «کیفرشناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، نشر میزان، تهران ۱۳۸۸، ص ۷۴۰.

دستورات موضوع ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی ملزم می‌شود. همچنین مدت زمان اجرای این دستورات ۲ سال بوده و دادگاه در صدور این دستورات اختیار دارد؛ دوم آنکه، تأثیر محکومیت‌های سابق صورتی دائمی داشته بنابراین گذشت زمان تأثیری در رفع حالت مذکور و زوال تأثیر محکومیت‌های پیشین ندارد؛ سوم آنکه، شیوه و مدت زمان اعمال این دستورات با توجه به بازدارندگی این نوع اقدامات و با هدف بازداشتن مجرم سابقه‌دار از تکرار جرم بوده که در این مسیر توجه به اصل فردی کردن و تناسب اقدام با وضعیت محکوم با توجه به پرونده شخصیت محکوم از اهمیت برخوردار است. اعمال این اقدامات با این ایراد اساسی همراه است که، قانونگذار از تعیین معیار شناسایی بالینی مجرمان سابقه‌دار که در تعیین و اعمال دستور یا دستورات موضوع ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی مؤثر است، خودداری نموده است. ضمن اینکه ماهیت حقوقی نظارت بر محکومان و چگونگی اعمال آنها از سوی نیروی انتظامی و بهزیستی و سازمان زندانها نیز در قانون مشخص نشده است.<sup>۱۷</sup>

چهارم، تخلف از اجرای دستورات دادگاه در مرتبه اول تا شش ماه افزودن به مدت اجرای دستور بوده و در صورت تکرار تخلف باقیمانده مدت اجرای دستور به حبس تبدیل می‌شود. تبدیل و جایگزینی در اختیار دادگاه نبوده و الزامی است.

### مبحث دوم: تأثیر محکومیت بر منع اعمال جایگزینهای مجازات

جایگزینی مجازات‌ها به مفهوم هر گونه تدبیری است که به جای مجازات زندان به کار رفته و از گسیل شدن محکوم به آن جلوگیری نماید.<sup>۱۸</sup> نظام جایگزینی مجازات‌ها چه به صورت تغییر در اجرای مجازات‌ها و چه به صورت اعمال روشهایی در جهت اجتناب کامل از اجرای مجازات‌ها، به مانند: تعلیق و تعویق اجرای حکم، در جهت کاهش آثار مجازات حبس و جلوگیری از اعمال روشهای خشن در ضمن آن می‌باشد.<sup>۱۹</sup> در نظام جزایی ایران دو نهاد جایگزین با عنوان نهاد تعلیق و نهاد آزادی مشروط وجود دارد که با اقدامات جدید پیرامون جایگزینی مجازات حبس در لایحه مجازات‌های جایگزین زندان می‌توان گفت که نظام جایگزین مجازات‌ها، علاوه بر تعلیق و آزادی مشروط، شامل نظام جایگزینی

۱۷. همان، ص ۷۴۱.

۱۸. محمد آشوری، «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، تهران ۱۳۸۶، صص ۱۹-۱۸.

۱۹. ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی،

چاپ چهارم، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵.

خاص زندان نیز می‌باشد.

در ذیل نحوه تأثیر این نهادها را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

### الف) تأثیر محکومیت بر منع اعمال مقررات تعلیق به عنوان جایگزین مجازات

در قانون مجازات اسلامی با جهت‌گیری قانونگذار در باب تغییر عنوان جرایم و مجازات‌ها، تعلیق اجرای مجازات‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول شده و در دایره محکومیت‌های خاص (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) اعمال می‌گردد.

در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی با توجه و هماهنگی با قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی (مصوب ۱۳۶۶)، پاره‌ای از محکومیت‌ها به عنوان مانع اجرا و اعمال مقررات تعلیق به حساب می‌آیند. درج این موارد به لحاظ بالا بودن میزان خطرناکی مجرم دارای این سوابق و حساسیت جامعه نسبت به ارتکاب و ایجاد این سوابق می‌باشد.

تأثیر محکومیت‌های مندرج در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (همچون تأثیر محکومیت‌های تعزیری در تشدید مجازات تکرار جرم)، صورتی دائمی داشته و معلوم نیست که این سابقه کی و تا چه مدت دوام پیدا کرده و مجرم را محروم از اجرای مقررات تعلیق می‌نماید. دائمی بودن این گونه آثار، فرآیند اصلاح و بازآموزی مجرم را با چالش مواجه کرده و نیز فرصت اعمال تعلیق مجدد را از جامعه سلب می‌نماید.

سوابق موجود در ماده فوق منحصر به سوابق محکومیت به جرایم تعزیری نبوده و دیگر محکومیت‌ها، نظیر محکومیت‌های حدی و محکومیت‌های مشمول قطع عضو را که ماهیتی غیرتعزیری دارند را شامل می‌شود.

بنابراین، تأثیر محکومیت‌های تعزیری (در تکرار جرم) و محکومیت‌های حدی و قطع عضو و محکومیت‌های تعزیری (در تعلیق)، به دلیل فقدان نهاد اعاده حیثیت، صورتی دائمی به خود گرفته و راهی در جهت اعاده وضعیت و رفع اثر از محکومیت‌های سابق وجود ندارد.

### ب) تأثیر محکومیت بر منع اعمال آزادی مشروط به عنوان جایگزین مدت حبس

قانون راجع به مجازات اسلامی، مجازات حبس تعزیری را به عنوان سابقه، ملاک منع از آزادی مشروط می‌داند.<sup>۲۰</sup> این موضوع در قانون مجازات اسلامی به عنوان عام حبس به کار رفته است. برای برخورداری از آزادی مشروط فرد زندانی باید فاقد سابقه محکومیت

۲۰. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۱۳۶۹/۴/۱۷-۷/۲۲۳۱ در باب آزادی مشروط و سابقه حبس غیرتعزیری مقرر می‌دارد: ارتکاب جرمی که مجازات آن حبس تعزیری نباشد مانع استفاده از آزادی مشروط، موضوع ماده ۲۹ قانون راجع به مجازات اسلامی نیست.

به حبس باشد. بنابراین محکومیت به حبس به هر مدت اثری دائمی در جهت ممنوعیت فرد از آزادی مشروط در پی دارد.

### ج) تأثیر محکومیت بر عدم اجرای جایگزینهای حبس در قالب مجازاتهای اجتماعی

لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان، محرومیت موقت از حقوق اجتماعی را یکی از مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان محسوب نموده و به شرح موارد دوازده گانه از جمله انفصال از مشاغل دولتی تا ۶ ماه، منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین تا ۱ سال، محرومیت از دریافت جواز یا پروانه فعالیت تا ۵ سال و ... بدان اشاره کرده است. این نوع جایگزینی‌ها که به عنوان جانشین مجازاتهای اصلی از نوع حبس به شمار می‌آیند با مشارکت مردمی و سازمانهای مردم نهاد اجرا و اعمال می‌گردند.<sup>۲۱</sup>

نکته قابل توجه در این لایحه تعیین محدوده زمانی برای محرومیتها و ممنوعیتها است. امری که پیش از این در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته بود. این امر که نوعی اعاده حیثیت و بازگشت وضعیت فرد به حالت پیش از مجرمیت و برخورداری از تمامی بهره‌مندی‌های اجتماعی و قانونی است، سبب بازگشت فرد به محیط جامعه و افزایش اعتماد محکوم به اجتماع و دستگاه عدالت کیفری است.

به استناد ماده ۳ این لایحه، محکومیت به کلیه جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها تا شش ماه حبس است، مشمول مقررات و ضوابط جایگزینی می‌باشند. بنابراین محکومیت یا ارتکاب جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از ۶ ماه حبس باشد از دایره شمول جایگزینی خارج است.

مواد ۳ و ۴ این لایحه پیشینه محکومیت قطعی یا سابقه محکومیت قطعی را به عنوان عاملی تأثیرگذار در اجرا و عدم اجرای جایگزینها محسوب می‌نماید. بنابراین وجود سوابق محکومیت مندرج در مواد ۳ و ۴ به عنوان عاملی در جهت ممنوعیت و محرومیت اشخاص از جایگزینهای حبس و اعمال تدابیری متناسب با وضعیت و شخصیت و در راستای اصلاح و بازپروری محسوب می‌شود. پیشینه محکومیت در این لایحه، هم در اختیار دادگاه در اعمال جایگزینی‌های حبس مؤثر بوده و هم در منع اعمال جایگزینی حبس مؤثر است.

۲۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، «مجازاتهای جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازاتهای اجتماعی جایگزین زندان»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، تهران ۱۳۸۶، ص ۱۱۵.

## مبحث سوم: تأثیر محکومیت کیفری در محرومیت از حقوق اجتماعی

محرومیت از حقوق اجتماعی به سه شکل مجازات اصلی، تکمیلی، و تبعی در قوانین و مقررات نمود پیدا کرده است.

در مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی اصل کلی و اساسی این است که این نوع مجازات باید متناسب با جرم ارتكابی و مؤثر در وضعیت مجرم باشد. تا سال ۱۳۷۷ در قانون راجع به مجازات اسلامی وضعیت کیفرهای تبعی و محکومیت‌های مربوط به سکوت برگزار شده بود. لکن در سال ۱۳۷۷، ماده ۶۲ مکرر که متضمن شناخت کیفرهای محروم‌کننده از حقوق و محکومیت‌های دربرگیرنده این نوع از مجازات‌هاست، وارد قانون مجازات اسلامی گردید. با تصویب این ماده موضوع مجازات‌های تبعی که پیش از این در ماده ۱۵ و تبصره ۲ و ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی (اصلاحی ۱۳۵۲)، مطرح شده بود، بار دیگر در قانون مجازات اسلامی مطرح شد. بنابراین استناد به مواد قبل خصوصاً ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی به طور کامل از میان رفت.<sup>۲۲</sup> نکته مهمی که در این ماده مورد توجه قرار گرفته است محدودیت کیفرهای محروم‌کننده از حقوق است.

با توجه و تأمل در محتوای ماده ۶۲ مکرر در می‌یابیم که در راستای کاستن از آثار نامطلوب محرومیت از حقوق اجتماعی، موارد بسیاری از جرایم حدی و تعریزی از شمول این ماده خارج شده است. موارد مندرج در بندهای الف الی ج این ماده جنبه حصری نداشته و شامل تمامی محرومیت‌های از حقوق اجتماعی، حتی مواردی که در قوانین خاص و متفرقه بدان اشاره شده است می‌شود.<sup>۲۳</sup>

نکته مهمی که در این بخش باید بدان پرداخت عدم شمول مفاد صدر ماده به دیگر پیامدهای محکومیت کیفری چون: منع از تعلیق، منع از آزادی مشروط و ایجاد الزامات و دستورات قانونی پیرامون محکومیت است. مهلت‌های مقرر برای رفع اثر از محکومیت‌ها، اختصاص به پیامد اخیر محکومیت یعنی محرومیت از حقوق اجتماعی داشته و ارتباطی با رفع اثر از دیگر سوابق محکومیت ندارد.<sup>۲۴</sup> قانونگذار در وضع و تصویب این ماده و بیان محرومیت از حقوق اجتماعی دو هدف عمده را مدنظر داشته است:

۱- ممنوعیت و محرومیت شخص خطرناک از احراز سمت‌ها و بهره‌مندی از حقوق و

۲۲. مجتبی جانی پور، «آثار محکومیت‌های کیفری و ضرورت احیاء نهاد اعاده حیثیت»، مجله حقوق و اجتماع، شماره دوازدهم، ۱۳۷۷، ص ۲۷.

۲۳. محمدجعفر حبیبزاده و محمد علی بابایی، «اعاده حیثیت»، ماهنامه دادرسی، ش ۴۱، سال هفتم، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

۲۴. مجتبی جانی پور، پیشین، ص ۱۱.

مزایای اجتماعی، این امر تا رفع حالت خطرناک و جامعه‌ستیزی شخص باید ادامه پیدا کند. این نوع محرومیت به عنوان واکنشی اضافه بر واکنش اصلی به فرد اعمال می‌شود.

۲- مصون نگه داشتن سمت‌ها و مشاغل از افراد و اشخاصی که یک بار حالت خطرناک و جامعه‌ستیزی خود را به جامعه نشان داده‌اند. جامعه از سپردن امور مرتبط با عملکرد مجرمانه شخص و نقض اعمالی که جامعه نسبت بدان حساس است خودداری می‌کند. در این رابطه نکته اصلی حفظ حقوق و آزادی‌های افراد است.

بر محرومیت از حقوق اجتماعی در ماده ۶۲ مکرر با وجود تأمین اهداف فوق انتقادات چندی وارد است از جمله اینکه:

۱- هیچ‌گونه تناسب بین جرایم ارتكابی و نوع محرومیت از حقوق اجتماعی وجود ندارد. این بدان معناست که تمامی اشخاص و با هر وضعیت اجتماعی چون سن و جنس و موقعیت اجتماعی با ارتكاب هر جرم موضوع ماده، از تمامی حقوق اجتماعی ولو آن حقوقی که هیچ‌گونه ارتباطی با میزان خطرناکی و تأثیر اجتماعی جرم ارتكابی نداشته است، محروم نماییم. این امر با عدل و انصاف قضایی و موازین عدالت تناسب ندارد.<sup>۲۵</sup> محروم کردن فرد از تمامی حقوق اجتماعی نتیجه‌ای جز سرخوردگی و انزوا و ناامیدی بیش از پیش وی، که یکبار تاوان جرم خود را به واسطه اعمال مجازات پس داده است و پس از آن برای مدتی از تمامی حقوق اجتماعی محروم می‌گردد، ندارد. این وضع فرآیند اصلاح و سازگاری فرد را با مقررات و هنجاری‌های اجتماع با خطر جدی مواجه می‌سازد.

این محرومیت‌ها به عنوان محکومیت تبعی محسوب می‌گردند در حالی که در اعمال مجازات‌ها بیش از گذشته بر اصل سودمندی کیفرها و انطباق آنها با نوع جرم و خصوصیات و ویژگی‌های فرد تأکید می‌شود. برقراری مجازات‌ها به صورت خودکار و بدون توجه به وضعیت و خصوصیت جرم و مجرم با هدف سودمندی مجازات‌ها مغایر است. به نظر می‌رسد که اعمال مجازات‌های محروم‌کننده از حقوق اجتماعی در قالب کیفرهای تکمیلی اختیاری بیش از کیفرهای تبعی منطبق با اصل فردی بودن مجازات‌ها و تطبیق آنها با خصوصیات و ویژگی‌های جرم و مجرم از سوی دادرس دادگاه می‌باشد، چرا که کیفرهای تبعی خصوصیتی اجباری الزامی دارند و عدم تناسب محرومیت با جرم نیز ناشی از همین ویژگی است. درحالی که محرومیت از حقوق اجتماعی در قالب کیفری تکمیلی اختیاری، به تناسب نوع و وضعیت جرم و حالات و روحیات مجرم و منطبق با منافع اجتماعی اعمال می‌گردد. علاوه بر این می‌توان گفت که محرومیت از حقوق اجتماعی در قالب اقدام

۲۵. وهاب دانش‌پژوه، «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۹، ۱۳۸۷، ص ۲۱۰.

تأمینی نیز جایگزین مناسبی برای این نوع محرومیتها در قالب کیفرهای تبعی است.

## مبحث چهارم: تأثیر محکومیت بر اساس قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی

قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی (مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحی ۱۳۸۲) محکومیت‌های متعددی را به عنوان محکومیت مؤثر در قوانین جزایی، مورد اشاره قرار داده است. محکومیت‌های مؤثر در این قانون عبارتند از:

الف) محکومیت به حد،

ب) محکومیت به قطع و نقص عضو

ج) محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال بالاتر در جرایم عمدی

د) محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ دویست میلیون ریال یا بالاتر در جرایم

عمدی

ه) سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دو بار یا بیشتر، به علت جرمهای عمدی مشابه با هر

میزان مجازات

همچنین در این ماده واحده، قانونگذار، جرمهای سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء و خیانت در امانت را جزء جرمهای مشابه محسوب نموده است. محکومیت‌های اشاره شده در فوق از لحاظ شکل و عنوان مشابه آنچه که در ماده ۲۵ قانون مجازات به عنوان محکومیت‌های مانع از اعمال تعلیق ذکر شده است، می‌باشند. شیوه و اسلوب قانونگذار مبتنی به تبیین و روشن‌سازی محکومیت‌های مؤثر به شکل اختصاصی است، چنانکه در موارد مختلفی از جمله تعلیق، آزادی مشروط، تکرار جرم، الزام به اجرای دستورات قانونی و محرومیت از حقوق اجتماعی محکومیت‌های مؤثر در منع یا اعمال آنها را مشخص ساخته است.

قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی، محکومیت‌هایی را به عنوان محکومیت‌های مؤثر و به شکل عام معرفی نموده است. بدین ترتیب که محکومیت‌های پنج‌گانه فوق را به عنوان محکومیت مؤثر قلمداد کرده و به نوع تأثیر آنها اشاره نکرده است. با توجه به عدم نسخ قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی و قید محکومیت‌های مؤثر به صورت اختصاصی در قانون مجازات اسلامی، محدوده عملکرد و تأثیر قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مرتبط با موادی است که قانونگذار صراحتاً به عنوان «محکومیت مؤثر» اشاره کرده باشد، چنانکه در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی



(الحاقی ۸۷/۲/۱۷) سخن از محکومیت مؤثر کیفری به میان آمده است و یا در ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷) نداشتن محکومیت مؤثر کیفری به عنوان یکی از شرایط صدور پروانه کارآموزی وکالت به حساب می‌آید. همچنین ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری یکی از شرایط متقاضیان اخذ پروانه کارشناسی رسمی، نداشتن پیشینه کیفری مؤثر معرفی می‌نماید.

بنابراین چنانچه در موارد قانونی سخن از عنوان «محکومیت مؤثر» به صورت عام به میان آید منظور موارد مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر کیفری است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که از شرایط اخذ پروانه کارشناسی رسمی و یا از شرایط صدور پروانه کارآموزی وکالت و یا اعمال الزامات قانونی مندرج در ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی، نداشتن پیشینه محکومیت مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

محکومیتی را می‌توان مؤثر قلمداد کرد که در بردارنده یکی از آثار محکومیت کیفری باشد، آثاری چون تشدید مجازات در تکرار جرم (به واسطه وجود سابقه ارتکاب جرم تعزیری)، منع از تعلیق اجرای مجازات (به واسطه وجود سابقه ارتکاب به یکی از موارد مندرج در ماده ۲۵)، منع از آزادی مشروط (به واسطه وجود سابقه بر محکومیت به مجازات حبس)، اعمال و اجرای دستورات قانونی به (استناد ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی)، ممنوعیت و عدم اجرای جایگزینهای حبس در قالب مجازاتهای اجتماعی (مندرج در لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس) و محرومیت از حقوق اجتماعی (به واسطه وجود سابقه محکومیت به موارد مندرج در ماده ۶۲ مکرر)، به عنوان اثر محکومیت کیفری محسوب می‌گردند.

با توجه به قوانین موجود کیفری به خصوص قانون تعیین محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی، ابهاماتی در خصوص نوع تأثیر و شیوه تأثیر محکومیت‌های مؤثر مندرج در این قانون وجود دارد که می‌توان با توجه به موارد ذکر شده، چنین گفت که: اولاً گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری در قانون مجازات اسلامی، لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس و قانون تعیین محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی است. ثانیاً به نظر می‌رسد با توجه به اینکه قانونگذار در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی و لایحه مجازاتهای اجتماعی جایگزین حبس، به محکومیت‌های مؤثر در قالبهای فوق اشاره و نوع تأثیر آنها را مشخص و معین نموده است. حدود تأثیر قانون تعیین محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی محدود به

مواردی است که قانونگذار به عنوان «محکومیت مؤثر» اشاره کرده باشد، همچون ماده ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی و یا ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری (مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷) مجلس شورای اسلامی. در این دو قانون، قانونگذار به ذکر محکومیت مؤثر کیفری اشاره نموده است، بدین معنا که، ممانعت از حقوق اجتماعی و الزام به اجرای دستورات قانونی به واسطه وجود سابقه به یکی از موارد مندرج در قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی است. بنابراین حوزه عملکرد قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر محدود به ذکر و عنوان «محکومیت‌های مؤثر» در قوانین جزایی است و آثار مختلفی که پیش از این در موارد مختلف همچون منع تعلیق مجازات، محرومیت از حقوق اجتماعی و غیره اشاره گردیده را شامل نمی‌شود. برای تعیین نوع و شیوه اثر محکومیت‌ها باید به موارد مربوط به آنها در قانون مجازات اسلامی و قوانین فرعی مرتبط مراجعه نمود.

### فهرست منابع

- آشوری، محمد، «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر»، مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- احمدی موسوی، سید مهدی، «گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری در نظام جزایی ایران و چگونگی ثبت محکومیت‌ها»، طرح پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، تابستان ۱۳۸۸.
- بولوک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۵.
- پردال، ژان؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
- جانی‌پور، مجتبی، «آثار محکومیت‌های کیفری و ضرورت احیای نهاد اعاده حیثیت»، مجله حقوق و اجتماع، ش ۱۲، ۱۳۷۷.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و محمدعلی بابایی، «اعاده حیثیت»، ماهنامه دادرسی، ش ۴۱، سال هفتم، ۱۳۸۲.
- دانش پژوه، وهاب، «محرومیت از حقوق اجتماعی در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۹، ۱۳۸۷.
- سلیمی، صادق، «مجازات‌های تبعی در حقوق کیفری ایران»، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، دوره جدید، ش ۲ (پیاپی ۱۷۱)، ۱۳۷۹.
- شهری، غلامرضا و سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، ج ۱، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳.

- صلاحی، جاوید، *بزهکاری اطفال و نوجوانان*، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «کیفرشناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان»، *مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- هادی‌تبار، اسماعیل، «بررسی قاعده تکرار جرم در حقوق موضوعه ایران و نگرش تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۶.

**JOURNAL OF**

# **LEGAL RESEARCH**

**VOL. IX, No. 2**

**2010-2**

**Articles**

- Reflections on Effective Criminal Convictions and their Consequences
- The Right to Defense of Accused in Administrative Contravention Settlement Board
- Determination of Defendant
- Legal Analyses of Medical Protections of Social Security Organization

**Special Issue: Citizens Right to Healthy Environment:  
Pollution of Iranian Large Cities**

- Sustainability of Urban Freight and Decreasing of Air Pollution: Environmental Ideal of Large Cities
- The Commitment to International Co-operation Countering Haze to Iran
- Deal with Electromagnetic Waves Pollutions in Metropolises
- Tehran Air Pollution and Citizen Rights on Healthy Environment
- The Effect of Intellectual Property Rights System on Metropolis Pollution
- Public Interest Litigation Concerning Environmental Matters before Human Rights Courts and National Courts
- The Right To Healthy Environment as a Hostage of Global Warming: Cancun Conference (2010)
- Right to a Healthy Environment in French Legal System

**Critique and Presentation**

- Economic Interest Grouping in the Fifth Development Plan

ISSN: 1682-9220



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**

Research & Study